

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۱۵

(صفحه ۹۳-۱۱۱)

سبک شعری نازک خیال قرن ۱۰ و اهمیت ناحیه خراسان در اشاعه آن

رضا رفایی قدیمی مشهد* - مریم صالحی نیا**

چکیده

سده دهم هجری عموماً با جریان شعر وقوعی شناخته می‌شود. در پژوهش‌های تاریخ ادبی به وجود جریان شعری نازک خیال که زمینه را برای شکل‌گیری سبک نازک خیال سده ۱۱ آماده می‌ساخته توجهی نشده است. در این پژوهش برآنیم که با استناد به منابع تاریخی و ادبی عصر صفوی، ابتدا وجود جریان شعری نازک خیال در قرن ۱۰ را اثبات کنیم و سپس، تأثیر و اهمیت ناحیه خراسان را در اشاعه جریان نازک خیال در این دوره نشان دهیم. مدعای اصلی پژوهش حاضر این است که در قرن ۱۰ ق جریان شعری نازک خیال در موازات جریان شعر وقوعی وجود داشته است و ناحیه خراسان از کانون‌های اصلی اشاعه آن بوده است. یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت ناحیه خراسان در تحول نازک خیالی قرن ۱۰، حضور دست‌کم ۱۱ شاعر نازک خیال در این ناحیه بوده است.

کلیدواژه‌ها: شعر وقوعی، شعر نازک خیال، تاریخ ادبی، نقد تذکره‌ای، سده دهم، خراسان، هرات.

درآمد

سده ۱۰ ق از حیث تأثیرگذاری بر شعر دوره‌های بعد یکی از مهم‌ترین ادوار شعر فارسی است. در این دوره، شاهد گذار از سبک عراقی به سبک هندی هستیم و به همین سبب، دست کم دو جریان شعری در آن وجود داشته است.^۱ نخست جریانی بوده که از سبک عراقی پیروی می‌کرده و دیگری قاعدتاً جریانی بوده که زمینه را برای شکل‌گیری سبک نازک‌خیال قرن ۱۱ آماده می‌ساخته است. در تاریخ‌نگاری جریان‌های ادبی قرن ۱۰، عموماً تنها به جریان شعر وقوعی اشاره شده است و جریان شعری نازک‌خیال که زمینه‌ساز پیدایش سبک نازک‌خیال هندی بوده است، نادیده گرفته شده و تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است. ویژگی‌های شعر وقوعی عبارتند از: «بی‌پیرایگی و خالی بودن از هرگونه صنایع لفظی و اغراقات شاعرانه» (گلچین معانی، ص ۳). همچنین «زبان وقوع» برزخی میان شعر دوره تیموری و سبک معروف به هندی دانسته شده است و سبک هندی درست یک صد سال پس از زبان وقوع نشئت یافته و جانشین مکتب وقوع شده است (همان‌جا).

به رغم این دیدگاه، منابع ادبی و اسناد تاریخی قرن ۱۰ ق نشان می‌دهند که در قرن دهم جریان شعری نازک‌خیالانه‌ای وجود داشته که در سده یازدهم، هم بر سبک عراقی و هم بر شعر سبک وقوع غلبه کرده و به صورت جریان شعری فراگیر و گسترده‌ای نمود پیدا کرده است و البته خراسان و به طور خاص هرات از کانون‌های بسیار مهم و تأثیرگذار آن بوده است. اگر جریان شعر وقوعی تنها در غزل نمود داشته، جریان شعر نازک‌خیال در قصیده و غزل نمود داشته است. به بیان دیگر، شاعران وقوعی گو در غزل از نرم شعری دوره تبعیت می‌کرده‌اند و در قصیده‌سرایی - چنان که در ادامه خواهیم دید - طبعشان به نازک‌خیالی مایل بوده و به این ترتیب، در دو شاخه مجزا طبع‌آزمایی می‌کرده‌اند.

تذکره‌نویسان عصر صفوی به مسئله وجود یک جریان شعری متمایز از سبک وقوع در قرن ۱۰ توجه داشته‌اند و «از عصر صفویه، برخی تذکره‌نویسان به بیان دیدگاه‌های انتقادی و تفاوت‌های سبکی شاعران و سیر تحول شعر و برخی موضوعات نظری درباره شعر و شاعری توجه نشان دادند» (فتوحی ۲، ص ۱۹۸).

۱. «باید توجه داشت که همواره بین سبک دو دوره، یک دوره سبکی بینابین یا حد واسط وجود دارد. در آثار دوره‌های بینابین، هم مختصات عمده سبک قبلی و هم طلیعه مختصات سبکی بعدی هویداست» (شمیسا، ص ۹۰).

جریان شعری نازک خیال قرن ۱۰ در نگاه تذکره نویسان

تذکره‌نویسان در مورد برخی از شاعران غیر وقوعی و متمایل به سبک نازک خیال، صفاتی را به کار برده‌اند که نشان‌دهنده درک ادبی بالای ایشان در تمایز سبک‌های متفاوت شعری است. برخی از این اصطلاحات و صفات به کار رفته درباره شاعران نازک خیال قرن ۱۰ در تذکره‌ها - که در واقع توصیفات متفاوت و بعضاً متضاد با شاعران وقوعی است - عبارت‌اند از:

۱. سخن عجیب / تشبیهات غریب

درباره ویژگی‌های شعری شاعری به نام میرزا ابراهیم (وفات: ۹۸۹ق) در خلاصه‌الشعار، به کار بردن تشبیهات غریب، از ویژگی‌های شعری او شمرده شده است: «سخنان عجیبه و تشبیهات غریبه بر لوح بیان می‌نگاشت...» (تقی کاشی ۲، ص ۳۸۵).

همچنین شاعری به نام میر مسعود (وفات: ۹۷۶ق) با عباراتی مشابه توصیف شده است: «الحق در تشبیهات و اغراقات و مضامین خاص، فضلا و شعرا او را مسلم می‌داشتند» (همو ۱، ص ۶۴۶).

اوحدی در عرفات‌العاشقین، شعر بابانصیبی (وفات: ۹۴۴ق) را غریب توصیف کرده: «در طرز سخن با شیوه‌ای غریب است» (ج ۷، ص ۴۳۵۳).

۲. سخن نازک

سام میرزا در مورد رکن‌الدین مسعود (وفات: ۹۴۶ق) می‌نویسد: «این مطلع از ایشان است و بسیار نازک آمده

گل نورسته من آن چنان نازک بود خویش که می‌ترسم شود آزرده گر چشم افکنم سویش»

(سام میرزا، ص ۷۸)

اوحدی بلیانی در عرفات‌العاشقین به نازکی شعر خضری خوانساری (وفات: ۹۹۸ق) توجه کرده است: «طبعی در غایت مرتبه کمال و نظمی در نهایت نزاکت و حال داشت» (ج ۲، ص ۱۳۷۳).

۳. سخن مخیل

مطربی سمرقندی در تذکرة الشعراء، واصلی بخارایی (شاعر نیمه دوم قرن ۱۰ ق) را چنین وصف کرده است: «مشارالیه به واسطه جاذبه محبت، قدم در بادیه فکرت نهاده، بادپای تخیل را از جای برانگیخته، در میدان فصاحت به جولان آمده...» (ص ۳۵۲).

نثاری بخاری در مذكر احباب، در مورد سبک شعری والهی بخارایی (وفات: اواخر قرن ۱۰ ق) نوشته است: «از شعرای مشهور است. اشعار سنجیده و گفتار پسندیده‌اش بسیار است. در تخیل معانی دقیقه تتبع آصفی می‌نماید» (ص ۸۱).

سام میرزا در توصیف بیکیسی شوشتری (وفات: ۹۶۱ ق) و تخیل شعری او عبارت جالبی را به کار برده است: «شاعری بهتر از او در شهر مذکور پیدا نشده. بس که خیال می‌کند خللی در دماغ او پیدا شده» (ص ۲۶۹).

۴. شعر تازه / معنای تازه

در خلاصه‌الاشعار درباره شعر حریفی ساوجی (وفات: ۹۷۲ ق) چنین آمده است: «بعضی از ابیاتش در غایت شهرت است و برخی دیگر مشتمل بر معانی تازه که پرتو شعور هیچ‌کس از شعرای زمان و غزلسرایان جهان بر آن نیفتاده...» (تقی‌کاشی ۳، ص ۱۹۹).

او همچنین شعر میر قدسی ساوجی (وفات: ۹۹۲ ق) را با صفت تازگی توصیف کرده است: «... علی‌الاتصال همت بر آن گماشته داشت که شعر تازه بر یاران خواند و الحق مضامین بلند و معانی دلپسند به خاطرش می‌رسد و طرزش خوب و شیوه‌اش مرغوب است...» (همان، ۲۵۷).

۵. مضمون‌گویی / خیال خاص

نثاری بخارایی، میرزا صبری را مضمون‌گو معرفی کرده است: «به خدمت مخادیم رسیده و به نغمات ساز دلکش بیغش سبب فتوح روح طالبان گردیده. در شعر قوتی داشت و به مضمون‌گفتن مقید بود» (نثاری بخاری، ص ۲۷۳).

همچنین در خلاصه‌الاشعار، به مضمون‌گویی اشکی قمی (وفات: ۹۷۲ ق) اشاره شده است: «همیشه در طرز خواجه آصفی و دیگر مضمون‌گویان طبعش به خیالات خاص مایل بود و در آن اسلوب سعی تمام می‌نمود و دایم در خیال پیدا کردن مضمون غریب بود...» (تقی‌کاشی ۳، ص ۵۸).

۶. معنای خاص

در معرفی شاعری به نام زین‌الدین علی نیکی (وفات: ۱۰۰۰ق) به وجود معانی خاص در شعرش اشاره شده است: «معانی خاص در سلک نظم کشیده...» (همان، ص ۱۵۷) و همچنین است درباره شاعری به نام حیدر طهماسبی (وفات: ۹۷۱ق): «... و همیشه همت بر معانی خاص می‌گماشت» (تقی‌کاشی ۱، ص ۶۶۶).

توصیف تقی‌کاشی درباره مکتبی شیرازی (وفات: ۹۱۶ق) نیز چنین است: «از شیراز و از شعرای قدیم است. در فن شعر وقوف تمام داشته و طبعش به معنای خاص مبادرت نموده...» (تقی‌کاشی ۴، ص ۴۰۰).

همچنین سام میرزا درباره شعر حقیری همدانی (وفات: اواخر قرن ۱۰ق) آورده است: «از همدان است. این مطلع در معنی خاص وانموده:

خاک پایت که در این چشم است ما را که در آن بر مثال شیشه‌های ساعت و ریگ روان [کذا]

(ص ۲۱۶)

۷. معنی بکر

امین احمد رازی در هفت اقلیم در توصیف ضمیری اصفهانی (وفات: ۹۷۳ق) آورده است: «هرگاه از بحر خاطر گوهری در سلک نظم کشیدی غیرت لؤلؤی عمان بیان نمودی و هر وقت معنی بکری از مریم فکر جلوه دادی خجلت لعل بدخشان عیان ساختی» (امین احمد رازی، ج ۲، ص ۹۶۹).

۸. معنی غریب

در خلاصه‌الاشعار درباره شاعری به نام راستی (زنده در ۹۸۷ق) چنین آمده است: «قصیده‌ای از او به نظر رسید که الحق در آن قصیده معانی غریبه صید دام خیالش شده و اگر باقی اشعارش بر این روش باشد در شاعری درجه عالی دارد» (تقی‌کاشی ۴، ص ۴۳۱).

با استناد به شواهد متنی و تاریخی – که برخی از آنها را ذکر کردیم – در شعر قرن ۱۰ علاوه بر جریان شعر وقوعی، باید به جریان جنبی آن، یعنی جریان نازک‌خیال نیز واقف باشیم. شعری که در نظر تذکره‌نویسان هم تصاویر و خیالات خاص و عجیب داشته و هم مضامین و معانی بکر و غریب. بنابراین، این سبک شعری از هر جهت با شعر وقوعی – که هم فاقد تصاویر غریب و

۱. تذکره‌نویس در این توصیف، وجود معانی غریب را عاملی برای تفوق شعری دانسته است.

خیال‌انگیز است و هم در معنا ملموس و محسوس است - متمایز می‌باشد.

قالب‌های شعر نازک‌خیال در خراسان

در شعر قرن ۱۰ ق سنت پیشین غزل‌سرایی که از دوره‌های پیش آغاز شده بود کماکان ادامه داشت و قالب اصلی که شاعران در آن طبع‌آزمایی می‌کردند، قالب غزل بود. مسئله مهمی که در میان شاعران نازک‌خیال ناحیه خراسان در قرن ۱۰ دیده می‌شود این است که برخی از شاعران وقوعی همچون میلی هروری به دو شیوه شعر می‌سروده‌اند؛ یعنی شاعر در سرایش غزل از نثر شعری عصر، تبعیت می‌کرده و ابیات وقوعی می‌سروده و در قصیده، بر خلاف غزل، ابیاتش کاملاً نازک‌خیالانه بوده است. تقی‌کاشی در خلاصه‌الاشعار به این موضوع اشاره کرده و میلی هروری را در سرایش قصیده نازک‌خیالانه هم‌پای ثنایی مشهدی و حتی برتر از او دانسته است: «... در وادی قصیده نیز از امثال و اقران خود مثل خواجه حسین ثنایی و مولانا ولی دشت بیاضی درگذشته و در مضماری شاعری قصب‌السبق از اقران ربوده...» (تقی‌کاشی ۳، ص ۲). برخی شاعران، همچون ثنایی مشهدی هم در غزل و هم در قصیده نازک‌خیال بوده‌اند: «و به قصیده که شگرف‌ترین انواع سخن است، زیاده رغبت فرموده و بنای آن را نوعی نهاده که از رگ اندیشه خون چکانیده...» (امین احمد رازی، ج ۲، ص ۷۹۴). دیگر تذکره‌نویسان نیز به نازک‌خیالی این شاعر اشاره کرده‌اند: برای نمونه: «گوهر نظمش بسیار نازک و دقیق، بهر طبعش نهمار لطیف و عمیق است» (اوحدی بلیانی، ج ۲، ص ۹۳۰).

بدین ترتیب نقش قالب قصیده در تحول نازک‌خیالی قرن ۱۰ بسیار پررنگ و با اهمیت بوده است؛ چراکه قصیده قالبی برای طرح اندیشه‌های شعری نازک‌خیالانه شاعران وقوعی سرا بوده است. در عین حال شاعران کم‌شماری که به شکل محسوسی در کانون ادبی خراسان و هرات حضور داشته‌اند، در سده دهم، این سبک خیال را در غزل طرح کرده‌اند. این شاعران در واقع پیشگامان سبک نازک‌خیال هستند که در سده یازدهم به شکوفایی می‌رسد و رونق می‌یابد.

اهمیت ناحیه خراسان در اشاعه نازک‌خیالی

ناحیه خراسان همواره یکی از مهم‌ترین نواحی جغرافیای شعر پارسی بوده است؛

چنان که حیات شعر پارسی - پس از اسلام - از این ناحیه آغاز شد و در ادوار مختلف تاریخی، شاعران بزرگ و جریان‌های برجسته شعری در ناحیه خراسان حضور و ظهور داشته‌اند. نقش ناحیه خراسان در اشاعه روند نازک‌خیالی در قرن دهم هجری - چنان که پیش‌تر به آن اشاره کردیم - نقشی مهم و برجسته بوده است. دلایل گوناگونی در این برجستگی و اهمیت دخیل بوده‌اند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۱. دربار تیموری هرات مشتاق و حامی هنرهای ظریف

حاکمیت سلطان حسین بایقرا (وفات: ۹۱۲ق) و وزیر ادب‌دوستش امیر علیشیر نوایی تأثیر شگرف و قابل توجهی بر رشد هنر، فرهنگ و ادبیات ناحیه خراسان گذاشت: در دربار سلطان حسین بایقرا که از سال ۸۷۲ تا ۹۱۲ در هرات حکومت کرد، افرادی همچون میرعلیشیر نوایی، پیشرو ادبیات ترکی شرقی، جامی شاعر بزرگ ایرانی، میرخواند از مورخین نام‌آور این دوره و بهزاد، ... میرک نقاش و عبدالرزاق نقاشان بلندآوازه این دوران زندگی می‌کردند و این اسامی یک از صدها نام افرادی است که در این دربار حضور داشتند (شراتو و گروه، ص ۳۵-۳۶).

درباره ظرافت طبع هنرمندان خراسانی غیاث‌الدین میرخواند در حبیب‌السیر می‌گوید: مهندسان جهان در دارالملک خراسان حاضر بودند و همه به قوت ذهن و دقت طبع امور عجیبه ظاهر می‌نمودند از آن جمله علی عارزه گر اصفهانی در یک شیشه سی و دو جماعت محترفه صنعت پیشه را که در کارخانه آفرینش موجودند به حیز ظهور آورد چنانچه سی و دو دکان و کارخانه گشوده هر پیشه‌وری به مهمی که مخصوص او بود مشغولی می‌کرد و بعضی از آن صور که در صنعت به حرکت احتیاج داشتند مثل خیاط و نداف و نجار و حداد به هیئت حنبش ایشان را مرقوم قلم گردانیده بود که در آئینه خایل صورتی از آن زیباتر نمی‌نمود (میرخواند، ج ۴، ص ۸۴).

حمایت سلطان حسین از هنر ایرانی سبب شد که در هرات، افزون بر شعر نازک‌خیال، سبک نقاشی‌های ظریف و مینیاتوری نیز به قلم نقاشانی همچون کمال‌الدین بهزاد رونق یابد: «ویژگی‌های آن [نقاشی مکتب هرات در زمان سلطان حسین بایقرا] عبارت بود از: رنگ‌های درخشان، دقت بسیار زیاد در جزئیات، وحدت کامل ترکیب‌بندی، شخصیت‌پردازی چشمگیر افراد در پیکره‌های انسانی و نهایت حساسیت در انتقال فضا و جو...» (شراتو و گروه، ص ۵۰). سلطان حسین با اینکه نژادی ایرانی نداشت و از نوادگان تیمور بود، اما برای اعتلای شعر فارسی اهتمام

ورزید. نمونه‌ای از این اهتمام و توجه را می‌توان در احترام ویژه او به عبدالرحمن جامی و ارج نهادن به این شاعر مشاهده کرد:

مولانا عبدالرحمن جامی... در ایام سلطنت سلطان حسین میرزا بایقرا به هرات آمدند، فضلالی شهر را از آمدن مولوی جانی جدید به تن و روحی تازه در بدن آمد... میرزا را میل دیدن ایشان به هم رسید، خود برخاسته در مدرسه به دیدن عبدالرحمن آمد، بعد از واقع شدن ملاقات، میرزا را محبت تمامی به آن منبع فصاحت به هم رسیده در مقام تربیت ایشان شد، همیشه از روی رغبت ایشان را به مجلس بهشت آیین خود می‌طلبید، امیرعلیشیر که سپهسالار لشکر ظفر اثر میرزا بود، در بندگی و خدمتگاری نورالدین مبالغه بی حد می‌نمود و خود را از مخلصان آن یگانه زمان می‌شمرد... و سلطان حسین میرزا با اولاد و اتباع به وجود ایشان می‌نازیده‌اند (فخرالزمانی قزوینی، ص ۱۰۲-۱۰۳).

امیرعلیشیر نوایی (وفات: ۹۰۶ق) وزیر سلطان حسین نیز بی‌شک یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های ادبی قرن ۹ و اوایل قرن ۱۰ بوده است. به نظر می‌رسد که امیرعلیشیر از وجود جریان شعری نازک‌خیال آگاهی داشته است؛ چراکه تذکره مجالس‌النفایس او، اولین تذکره‌ای است که یک شاعر به صورت رسمی در آن نازک‌خیال نامیده شده است. وی در شرح حال شاه غریب میرزا می‌نویسد: «شوخ طبع و نازک‌خیال و دقیق‌فهم جوانی است، در نظم و نثر نظیرش معدوم و در متخیله و حافظه عدیش نامعلوم» (امیرعلیشیر نوایی، ص ۱۲۸).

مشی دربار تیموری هرات و به‌ویژه فعالیت‌های سلطان حسین و امیرعلیشیر سبب شد که جریان نازک‌خیالی، در دربار هرات جایگاهی مستحکم پیدا کند و کانون ادبی بسیار مهمی پایه‌گذاری شود که نقشی اساسی در شکل‌گیری آنچه بعدها سبک هندی نام گرفت، ایفا کرد.^۱

۲. تتبع شاعران کانون ادبی هرات از شاعران نازک‌خیال متقدم خراسان

در ناحیه خراسان و پیش از قرن ۱۰ق، شماری از شاعران، اشعار نازک‌خیالانه می‌سروده‌اند و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد شاعران نازک‌خیال قرن ۱۰ در هرات، به شیوه این شاعران بسیار توجه داشته‌اند و شیوه ایشان را تتبع کرده‌اند. از جمله این

۱. «در مدت چهل سال حکومت سلطان حسین بایقرا، هرات مرکز فضلا و شعرا و مورخین برجسته بود و آنچه بعدها به نام مکتب هندی معروف گردیده، با همه خصوصیات آن کم و بیش در اشعار شعرای این دوره از نگاه مضمون آفرینی و ... دیده می‌شود» (فلاح، ص ۳۵).

شاعران متقدم می‌توان به امیرشاهی سبزواری (وفات: ۸۵۷ق) و کاتبی ترشیزی اشاره کرد. امیرشاهی سبزواری یکی از شاعران برجسته نازک‌خیال در سده نهم بوده است که بسیاری از ابیات او نازک‌خیالانه‌اند. امیرشاهی سبزواری، خود به خاص بودن خیالات و تازگی اشعارش اشاره کرده است:

شاهی خیال خاص بگو از دهان دوست چون نیست لذتی سخنان شنوده را

(ص ۵)^۱

کاتبی ترشیزی دیگر شاعر برجسته نازک‌خیال سده نهم در خراسان بوده که شاعران نازک‌خیال قرن ۱۰ اشعار وی را تتبع کرده‌اند. درباره وی آورده‌اند: «گویند مولانا کاتبی چهارصد معنی خاص دارد که زاده طبع اوست» (نثاری بخارایی، ص ۱۱۳). کاتبی تغییر بنیاد شعر و ورود مضامین تازه به آن را لازم و ضروری می‌دانسته و در شعرش بدان اشاره کرده:

شاعر نباشد آن کو، هنگام بیت گفتن ز اشعار اوستادان آرد خیال در هم
هر خانه‌ای که او را از خشت کهنه سازند مانند خانه نو نبود بناش محکم

(به نقل از صفا ۱، ص ۸۳).

۳. وجود محافل شعری نازک‌خیال در خراسان

یکی از مسائل رایج شعر دوره تیموری و پس از آن، تشکیل محافل شعری و پاسخ‌گویی به شعر شاعران پیشین بوده است.^۲ می‌توان ادعا کرد که در سده ۱۰ ق در ناحیه خراسان دست‌کم یک محفل شعری نازک‌خیالانه وجود داشته است. اگرچه در تذکره‌ها به وجود محافل شعر نازک‌خیالانه در هرات اشاره نشده است، اما واصفی هروی

۱. اشعار امیرشاهی توسط شاعران نازک‌خیال سده ده خراسان تتبع می‌شد. برای مثال، واضح است که آصفی هروی، بیت

بسی خود را در آب دیده چون ماهی وطن دیدم
که تا قلاب زلفش را بکام خویشتن دیدم
را در پیروی از بیت امیرشاهی سروده است:

خوش آن شب کان مه رخسار و زلفش پرشکن دیدم
بهار عارضش را سبزه بر گرد چمن دیدم

(امیرشاهی، ص ۶۴).

۲. برای نمونه یکی از مشهورترین مکتب‌های شعری قرن ۱۰ دکان میرمحمود طرحی شیرازی بوده است. اوحدی بلیانی در این مورد نوشته است: «آن دکان همیشه مجمع شعرا و منزل ظرفا، محضر فضلا و فصحا بودی و مطرح اشعار شدی، چه اکثر یاران مقرر مشهر همه روزه آنجا مجتمع شدند و صحبت داشتندی، چون مولانا غیرتی و مولانا عرفی و مولانا عارف لاهیجی و رضایی کاشی و قیدی و قدری شیرازی و غیرهم و اکثر اوقات دیوان فغانی را در میان داشته تتبع نمودندی» (ج ۲، ص ۲۴۸۸).

(وفات: ۹۴۰ تا ۹۴۵ق) شاعر و وقایع‌نگار دوره تیموری در بدایع الوقایع از محفلی ادبی سخن گفته که در آن اشعار کاتبی تتبع می‌شده است:

در مسجد جامع هرات که اشرف مواضع شریفه و اعظم منابع منیره هرات است، بعد از صلوٰة جمعه در سر صفه مقصوره، جمعی از شعرا و فضلا همچون خواجه آصفی و مولانا اهلی و ... مجمعی می‌ساختند و سخن شعر و شعرا در میان می‌انداختند. روزی نشسته بودند و ... در وصف کاتبی سخن بدانجا رسید که او را معانی خاصه دلایز و خیالات غامضه بانگیز بسیار است. و الحق این شیوه‌ای است بس خوب و اسلوبی است به غایت مرغوب (واصفی هروی، ص ۹۷).

وی چنین آورده است:

داب آن حضرت [یعنی عبیدالله خان اوزبک] آن بود که هر روز شعری در میان می‌انداختند و شعرا را به جواب و تتبع آن مأمور می‌ساختند. و می‌فرمودند که: طبع را بیکار نمی‌باید گذاشت، و او را مشغول می‌باید داشت که کاهلی موجب کسالت طبع و تلبذ ذهن می‌باشد. بعد فرمودند که: از غزلیات خسرو دهلوی و مولانا کاتبی و غیرهم قریب به صد غزل انتخاب نموده شد... (همو، ص ۲۳۴).

صد غزل از امیر خسرو و کاتبی طرح شده بود تا شاعران به آنها پاسخ دهند و مایه تشحیذ ذهنشان شود. آنچنان که واصفی می‌گوید، گرچه این محفل ادبی در هرات نبوده و در دستگاه عبیدالله خان ازبک جریان داشته است، اما واصفی - که پرورده و بالیده مکتب هرات بوده - در تمامی محافل در تتبع کاتبی گوی سبقت از همگنان می‌ربوده است.

با توجه به این قراین، می‌توان به سخن تذکره‌نویسانی همچون اوحدی بلیانی درباره سبب هجرت بابا‌افغانی از هرات با دیده تردید و انتقاد نگریست.^۱ اوحدی، سبب مهاجرت بابا‌افغانی از هرات را مخالفت شاعران ناحیه خراسان با سبک شعری بابا‌افغانی و غامض

۱. اوحدی در این باره آورده است: «... و چون بابا از شیراز عزیمت سفر نمود، اول سیر هرات فرمود و در آنجا به صحبت و خدمت مولانا جامی در رسید و چون شعرای خراسان وی را دیدند و طرز و روشی که مخالف ایشان بود از وی مشاهده نمودند آن را نپسندیدند... سخنان بلندمرتبه او را بی‌معنی فهمیدند و نزد ایشان در این معنی ضرب‌المثل شد، چنانچه مدت‌ها اشعار ضیق را می‌گفته‌اند که «فغانیه» است... چه در آن زمان هیچ‌کس متوجه شعر قدما و طرز و روش ایشان نبود و همه به روشی سهل که متعارف آن زمان شده بود شعر می‌گفتند و جمیع را ظن اثم و تصور باطل آنکه جمیع طرز و روش‌ها، حتی روش قدما، البته در جنب آن روش خاص ایشان منسوخ خواهد بود و چون ایشان محظوظ از روش استادان قدیم نیستند، هیچ‌کس تا قیامت نخواهد بود و شیوه ایشان ناسخ طرزهاست و این تازه‌گویی‌ها و روش‌ها که ظاهر شده آن وقت هیچ در عرصه نبود» (ج ۵، ص ۳۲۲۰).

بودن آن دانسته است؛ حال آنکه سخن واصفی این دلیل را رد می‌کند. واصفی در پاسخ‌گویی به اشعار کاتبی، پنج غزل سروده و آنها را خمسۀ محیره نامیده است: ...روی در طلب این معانی آورده، غواص‌وار در بحر فکرت غوطه خورده در معانی آبدار به کف آورده، در ماده آب و تیغ پنج غزل که موسوم است به خمسۀ محیره و سبۀ سیاره، در سلک نظم کشیده. چون هر بیت متحلی است به معنی خاص، امید است که مقبول طبع خواص گردد (همو، ص ۹۸).

آصفی هروی، دیگر شاعری که واصفی از او نام برده نیز در اشعارش، صراحتاً به نازکی سبک شخصی‌اش اشاره کرده و خود را نازک‌خیال خوانده است:
ز خوبان گفته‌های آصفی حالی دگر دارد که او را سوز خسرو نازکی‌های حسن دیدم

(آصفی هروی، ص ۱۴۳)

عبدالباقی نهاوندی صاحب تذکرۀ مآثر رحیمی نیز در مقدمه‌ای که بر دیوان عرفی شیرازی نوشته، شیوۀ شاعری امیرشاهی سبزواری در اواخر قرن ۹ و باباغانی و آصفی در نیمۀ اول قرن ۱۰ را یکی از عوامل مهم تغییر سبک برشمرده است:

در زمان میرزای مؤمی الیه [سلطان حسین بایقرا متوفی ۹۱۱]... باباغانی و خواجه آصفی و اهلی شیرازی و میرشاهی و دیگر دانشمندان و سخنوران بوده‌اند و طرز و روشی خاص که از قدما تجاوز نموده، به طرز که الحال در میانۀ مستعدان است، اختیار نموده‌اند^۱ و سخن‌آفرینی‌ها کرده‌اند و آن طرز را مستعدان و سخن‌سنجان پسندیده و به آن رغبت نموده‌اند... (برگ ۶-۷).

بنابراین و با توجه به دیگر قراین و شواهد که وجود جریان نازک‌خیال در ناحیۀ خراسان قرن ۱۰ را اثبات می‌کند، نمی‌توان سبب مقبولیت نیافتن شعر باباغانی در هرات را عدم فهم شعر غامض باباغانی دانست؛ بلکه به نظر می‌رسد شاعران این ناحیه از بیم اینکه مبادا شاعری توانمند همچون باباغانی، در سرایش شعر تازه و نازک‌خیال از آنها پیشی بگیرد و مشهور شود، به او بی‌توجهی کرده و سبب هجرت باباغانی از هرات شده‌اند.

۴. پیوند گورکانیان هند و تیموریان ایران و مهاجرت شاعران نازک‌خیال خراسان به هند
یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی که در قرن ۱۰ رخ داده و بر ادبیات این دوره اثر

۱. عبدالباقی نهاوندی در قرن ۱۱ می‌زیسته و در واقع در زمان نگارش این مقدمه، سبک نازک‌خیال - که وی با عنوان «تازه‌گویی» از آن یاد کرده است - سبک غالب و رایج شعری بوده است.

گذاشته، حمله‌ی ظهیرالدین بابر در سال ۹۳۲ به هندوستان و تشکیل سلسله‌ی گورکانیان هند بوده است که گردش آن از آغاز تا دیرگاه به دست رجال ایرانی و یا تربیت‌شدگان آنها بوده و می‌توان گفت حکومت گورکانیان یک حکومت تمام‌عیار ایرانی در خارج ایران بوده است (صفا ۲، ج ۴، ص ۴۲۱). این مسئله در این بحث از آنجا اهمیت می‌یابد که ظهیرالدین بابر نیز به مانند سلطان حسین بایقرا یکی از نوادگان تیمور بوده و سلسله‌ی گورکانیان هند نیز همگی اعقاب و نوادگان تیمور بوده‌اند. به نظر می‌رسد پیوند تیموریان هرات و هند عامل مهمی در جهت مهاجرت شاعران نازک‌خیال خراسانی به هند بوده است. غزالی مشهدی (وفات: ۹۸۰ق) از نخستین شاعران ایرانی بود که به هند مهاجرت کرد و در بار اکبرشاه گورکانی به مقام ملک‌الشعرایی دست یافت (امین‌احمدرازی، ج ۲، ص ۷۲۹). این شاعر نازک‌خیال که مدت زیادی در هند می‌زیسته و حتی در هندوستان وفات یافته، در اشعارش دل‌بستگی خویش به هرات را نشان داده است:

باز از نوای کلک غزالی به بزم شعر آوازه‌ای ز خاک خراسان برآمده

(غزالی مشهدی، ص ۲۸۲)

ملک هری غزالی خاک غریب دارد خورشید فیض‌بخشی است هر ذره از خیابان

(همو، ص ۲۶۲).

میلی مشهدی، ثنایی مشهدی و کلامی خراسانی از دیگر شاعران نازک‌خیال هستند که از ناحیه‌ی خراسان به هند مهاجرت کرده‌اند (اوحدی بلیانی، ج ۲، ص ۹۲۹، ج ۶، ص ۴۲۰۴؛ بداؤنی، ج ۳، ص ۲۱۸).

معرفی شاعران نازک‌خیال خراسان در قرن ۱۰

بررسی تذکره‌های گوناگون دوره‌ی صفوی نشان می‌دهد که در قرن ۱۰، حداقل ۱۱ شاعر نازک‌خیال در ناحیه‌ی خراسان پرورش یافته و شعر نازک‌خیالانه سروده‌اند.^۱ شاعرانی که

۱. البته باید به این مسئله توجه داشت که در قرن ۱۱ نیز شاعران نازک‌خیال برجسته‌ای همچون نظیری نیشابوری (وفات: ۱۰۲۱ق) و قدسی مشهدی (وفات: ۱۰۵۶ق) از ناحیه‌ی خراسان سربرداشته‌اند. شاعری همچون نظیری اگرچه بخشی از حیات شاعری‌اش در قرن ۱۰ گذشته، اما بخش عمده‌ی اشعار نازک‌خیالش در قرن ۱۱ سروده شده است و به همین سبب در این پژوهش از او نامی برده نشده است. به جهت نظم و نسق یافتن مطالب، ملاک ما در تقدم و تأخر معرفی شاعران نازک‌خیال خراسان تاریخ وفات ایشان است. شاعرانی که تاریخ وفات ایشان مشخص نیست در انتها معرفی شده‌اند.

ما در این پژوهش آنها را معرفی می‌کنیم، شاعرانی هستند که درباره نازک‌خیالی ایشان در تذکره‌ها و دیگر متون مطالبی موجود است؛ بنابراین می‌توان متصور شد که شاعران نازک‌خیال دیگری نیز در خراسان وجود داشته‌اند، اما تذکره‌نویسان به نازک‌خیالی آنها اشاره‌ای نکرده‌اند و یا خود این شاعران به نازک‌خیالی خویش اشاره نکرده‌اند.

۱. شاه غریب میرزا (وفات: ۹۰۲ق): خیالات نازکش را در قالب غزل ریخته است. اوحدی در ترجمه وی نوشته است: «وی به غایت شوخ طبع، نازک‌خیال، دقیق فهم بوده و در نظم و نثر نظیرش معدوم و در متخیله و حافظه عدیلش نامفهوم...» (اوحدی بلیانی، ج ۵، ص ۲۹۸۷).

در دو تذکره مجالس النفایس و عرفات العاشقین نیز این ابیات از وی نقل شده است:

چون غنچه سر به جیب «غریبی» [که برده] است	دارد به خود ز فکر میانش خیالکی
بس که شب‌ها شعله اشکم به گردون سر کشد	داغ‌ها بر سینه این سقف زنگاری ازوست
غریبی حسن او کم گشت تا با غیر همدم شد	شود پژمرده هر گل را که باری چند بو کردن

۲. آصفی هروی (وفات: ۹۲۳ق): تصاویر و ابیات نازک خیالانه او نیز در قالب غزل است.^۱ مهم‌ترین شواهد نازک‌خیالی این شاعر پیروی صائب تبریزی و بیدل دهلوی از او است:

جواب آن غزل آصفی است این صائب زمانه‌ای است که هر کس به خود گرفتارست
(صائب، ج ۲، ص ۵۶۴)

«... شبی میرزا بیدل بر این دو بیت او بسیار محظوظ بودند و فقیر خوشگو حاضر بودم که مکرر می‌فرمودند که بیت آخرین قیامت است.

تا برافروخته‌ای ز آتش می روی سفید	شمع پیرانه سر آتش زده در موی سفید
در شفق دیدم مه عید و اشارتها کرد	پیر ما سوی می سرخ به ابروی سفید»

(خوشگو، ص ۲۰)

۳. هلالی جغتایی (وفات: ۹۳۶ق): وی در اشعارش، اشاره مستقیم به نازک‌خیالی خویش کرده است:

هلالی از کمال شعر دارد منصب شاهی که شور خسرو است و نازکی‌های حسن با او
(هلالی، ص ۱۰۱)

۱. دیوان آصفی شامل غزلیات، قطعات و رباعیات است و حتی یک قصیده نیز در دیوان او به چشم نمی‌خورد... در دیوان چاپ شده این شاعر (به تصحیح هادی ارفع) شمار ابیات غزلیات ۲۲۸۵، شمار ابیات قطعات ۳۰ و شمار ابیات رباعیات ۲۶ است و در مجموع، اشعار چاپ شده او شامل ۲۴۴۱ بیت است.

۴. واصفی هروی (وفات: ۹۴۰ تا ۹۴۵ق):^۱ سند نازک‌خیالی این شاعر پاسخ‌گویی او به ابیات کاتبی ترشیزی است:

این حقیر... روی در طلب این معانی [جواب‌گویی به کاتبی] آورده، غواص‌وار در بحر
فکرت غوطه خورده دُرر معانی آبدار به کف آورده، در ماده آب و تیغ پنج غزل که موسوم
است به خمسه محیره و سبعة سیاره، در سلک نظم کشیده. چون هر بیت متحلی است
به معنی خاص، امید است که مقبول طبع خواص گردد (واصفی هروی، ص ۹۸).

اینک ابیاتی از خمسه محیره واصفی:

تیغت به خون چو سرخ شد از وی گریختم
کرد چون تندی رقیبت تیغ بستنی بر کمر
می‌زند تیغم رقیب سرد و می‌لرزم ز بیم
جوید ز سیلِ فتنه بلی هر کسی پناه
بسته گردد آب هرگاهی که تندی کرد برد
لرزه می‌آید بلی، چون بر تن آمد آب سرد

۵. غزالی چنک (وفات: ۹۷۲ق): درباره این شاعر آورده‌اند: «طبعش خالی از انگیزی نبوده و
به غرابت میل داشته و مضامین پیدا کرده و اکثر را نیکو در رشته نظم کشیده...» (تقی کاشی ۶، برگ ۳۷).

ابیات نقل شده از این شاعر در خلاصه‌الاشعار:

به آه خود در دشت غم سرگرمی دارم
کبوتر نیست آن‌کو به گرد بام یار می‌گردد
خلاصی از خم زلف تو مرغ دل نمی‌خواهد
بی [رخ] لیلی چو مجنون در بیابان جان دهد
سموم آتشین در پیش من باد است پنداری
که مرغ روح من آنجا کبوتروار می‌گردد
گرفتار تو از بند غم آزاد است پنداری
ابر غم غسلش به آب دیده گریان دهد

۶. غزالی مشهدی (وفات: ۹۸۰ق): گوپاموی در نتایج‌الافکار می‌گوید: «صیاد فکر
بلندش به شکار غزالان مضامین برجسته در تکاپو... از خیالات برجسته اوست:

چه می‌سوزی به داغ دوری خود ناتوانی را
که چون فانوس مشت استخوانی در بدن دارد»

(ص ۵۱۱)

غزالی، خود در بیانی سبک‌شناسانه می‌گوید:

گرچه پیش من غزالی مشکل و آسان یکی است
در سخن هر دم زمین مشکلی خوش می‌کنم
(غزالی مشهدی، ص ۲۵۲)

و نیز:

نو کن طریق نظم، غزالی که در غزل
چون خامه تو سحر بیانی ندیده‌ایم
(همو، ص ۲۵۰)

۱. تاریخ وفات دقیق واصفی هروی مشخص نیست (برای آگاهی بیشتر نک: بلدروف، ص ۱۹).

همچنین این بیت در منتخب‌التواریخ از او نقل شده است:
ما باده‌ایم گرد‌گریبان ما خم است داریم نشئه‌ای که دو عالم درو گم است
(بداؤنی، ج ۳، ص ۱۲۰)
۷. میلی مشهدی (وفات: ۹۸۳ق): دو تذکره‌نویس برجسته عصر صفوی یعنی
اوحدی بلیانی و تقی‌کاشی به نازک‌خیالی این شاعر اشاره کرده‌اند:

الحق از شعرای معروف مذکور است. غایت نزاکت معانی، لطافت فکرت، جزالت الفاظ،
دقت خیال، سلاست بیان، حلاوت ادا با کلام او هست (اوحدی بلیانی، ج ۶، ص ۴۲۰۴).
... در وادی قصیده نیز از امثال و اقران خود مثل خواجه حسین ثنایی و مولانا ولی دشت
بیاضی درگذشته و در مضممار شاعری قصب‌السبب از اقران ربوده... (تقی‌کاشی، ۵،
ص ۱).

چند بیت نازک‌خیال گونه از میلی که در خلاصه‌الشعار آمده است:
مطرب اگر ناگهان ذکر عتابش کند سرزند از نی چو شمع شعله به جای نوا
گر شود حلقه زهگیر تو عینک بجهد از سر تیر نظر صورت آینه سلیم
خال رخس که داغ دلم راست پرده‌سوز آینه در برابر داغ نهان نهاد
۸. ثنایی مشهدی (وفات: ۹۹۵ق): تقی‌کاشی درباره وی آورده است:

الحق مضامین غریبه و معانی عجیبه‌ای که او را به خاطر می‌رسد به لباس نظم
درمی‌آورد... در ایجاد معانی مغلظه و ابداع مضامین عالیّه غریبه درجه‌ای دارد که بیان
فصحا توضیح آن را از جمله محالات می‌شمارد... (همان، ص ۱۳۱-۱۳۲).

همچنین اوحدی در اشاره به نازک‌خیالی این شاعر نوشته است: «گوهر نظمش بسیار
نازک و دقیق، بحر طبعش نهمار لطیف و عمیق است» (اوحدی بلیانی، ج ۲، ص ۹۲۹).
در منتخب‌التواریخ نیز بداؤنی درباره وی چنین آورده است:

پیش از آن که به هندوستان بیاید بزرگان این دیار بر بیتی از او غائبانه بزمی می‌آراستند و
در هر مجلس شعر او را به تبرک می‌خواندند و متفق‌الکلام و الاقلام بر استادی او خط
می‌نوشتند. چون آمد آن همه شوق او از حسد به فسردهگی مبدل شد و در گوشه مجهولی
افتاده نشانه صد تیر اعتراض شده حیران وادی سائرالناسی گردید. این ابیات از اوست:
چنان ناز بارد ز پاتا سرش که رفتن توان ناز از بسترش
بس که از خانه غم برون ریزم تنگی خانه از برون در است
(بداؤنی، ج ۳، ص ۱۴۴).

۹. مطلعی (زنده در ۹۵۷ق):^۱ سام میرزا به نازک‌خیالی او در تحفه سامی اشاره کرده است: «مولدش تون^۲ است و اوقات به تجارت می‌گذراند و کریم‌الطبع است. در شعر او معانی خاص بسیار است» (ص ۶۱).

۱۰. اقدسی مشهدی (وفات: ۱۰۰۲ق):^۳ فخرالزمانی قزوینی در تذکره میخانه به نقل از رکنای مسیح کاشی در توصیف اقدسی آورده است:

از کتاب مجموعه خیال افلاطون ثانی حکیم رکن الدین مسعود کاشانی حکایت نظمی که منحصر است به تعریف اقدسی... در این تألیف بر بیاض برد، تا رتبه فصاحت و بلاغت او بر عالمیان ظاهر گردد.

سخندان اقدسی آن بلبل مست که بودش چون زبان بر هر سخن دست
بیانش در فصاحت جان دمیدی ز طبعش بر جگر ریحان دمیدی
خیال بکر بر طبعش مسلم نزیاید بکر آری غیر مریم
(ص ۲۳۷-۲۳۸)

۱۱. کلامی (تاریخ وفات: نامعلوم):^۴ به نازک‌خیالی وی در منتخب‌التواریخ اشاره شده است:

اصل [او] از جغتای است و در سند بسیار بوده... چندگاهی در آگره می‌بود. شعر به روش مردم ماوراءالنهر^۵ می‌گفت

۱. نام این شاعر صرفاً در تحفه سامی ذکر شده و به سبب محدودیت اشعار نقل شده در تذکره و عدم تصریح تذکره‌نویس، نمی‌توان اظهار نظر دقیقی درباره قالب اصلی‌ای که شاعر در آن ابیات نازک‌خیالانه می‌سروده، مطرح کرد.

۲. تون از شهرهای خراسان قدیم، در محدوده شهر فردوس امروزی بوده است.
۳. تاریخ وفات این شاعر در تذکره میخانه سال ۱۰۰۳ و در تذکره‌های خلاصه‌الاشعار و عرفات‌العاشقین ۱۰۰۲ ذکر شده است. با استناد به سخن فخرالزمانی قزوینی که شاعر را هنگام وفات ۳۶ ساله دانسته است، سال ولادت وی ۹۶۶ یا ۹۶۷ است و اگر به سخن اوحدی در عرفات‌العاشقین استناد کنیم که او را هنگام وفات ۲۶ ساله دانسته است، او متولد ۹۷۶ یا ۹۷۷ است.

۴. با توجه به اینکه بداوئی در کتاب منتخب‌التواریخ - که در ابتدای قرن ۱۱ نگاشته شده - از افعال ماضی در شرح حال شاعر استفاده کرده است، باید او را متوفی قرن ۱۰ دانست.

۵. شعر ماوراءالنهری، شعری سرشار از معما و خیالات خاص بوده است. یکی از مهم‌ترین منابع معرفی شاعران حوزه ماوراءالنهر تذکره مذكر احباب است: «مذكر احباب از مهم‌ترین منابع ادبی ماوراءالنهر... است. اغلب شاعرانی که در این تذکره نامشان آمده است، ... مقلدان و نظیره‌سازان نظامی، امیرخسرو دهلوی، حافظ و حتی جامی‌اند، سخت دلبسته صناعات شعری و معماگویی؛ خود مؤلف نیز ذوقی مشکل‌پسند داشته و شیفته معما بوده است» (فتوحی ۱، ص ۲۱۸).

بستم به خیال سر زلفت ره گریه
نشین به چشم کلامی ز روی لطف دمی
لیکن نتوان آب به زنجیر نگه داشت
که گوشه‌ایست مصفا و آب در نظر است

(بداؤنی، ج ۳، ص ۲۱۸)

چنان‌که پیشتر ذکر شد اشارات تذکره‌نویسان به این شاعران و اشارات خود این شاعران به سبک شعری‌شان تنها راه داوری ماست و از آنجا که بیان تذکره‌ها و حتی کتاب‌های تاریخی در اغلب موارد قراین تاریخی روشنی از زندگی شاعران به دست نمی‌دهند نمی‌توان با قاطعیت از شمار این شاعران سخن گفت.

نتیجه‌گیری

در قرن ۱۰ ق، به موازات جریان شعر وقوعی، جریان شعر نازک خیال نیز وجود داشته است و نرم نرمک زمینه را برای پیدایش سبک نازک خیال هندی در قرن ۱۱ آماده می‌کرده است. شواهد متنی و تاریخی نشان‌دهنده این است که ناحیه خراسان در قرن ۱۰ یکی از مهم‌ترین کانون‌های اشاعه نازک خیالی بوده و دست کم ۱۱ شاعر نازک خیال در این ناحیه پرورش یافته‌اند و همچنین شاعران برجسته‌ای همچون ثنایی مشهدی و غزالی مشهدی از این ناحیه به دربار هند راه یافته‌اند. علل مهم تأثیرگذاری ناحیه خراسان در اشاعه نازک خیالی عبارتند از:

۱. حاکمیت سلطان حسین بایقرا و وزیر وی، امیرعلیشیر نوایی در اوایل قرن ۱۰.
۲. پیروی و تتبع شاعران نازک خیال این ناحیه از شاعران نازک خیال متقدم.
۳. وجود محافل شعری نازک خیال در هرات.
۴. پیوند حاکمیت گورکانیان هند با تیموریان خراسان و به تبع آن، مهاجرت شاعران نازک خیال خراسان به هند.

منابع

- آصفی هروی، دیوان، به تصحیح هادی ارفع، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۴۲.
- امیرشاهی سبزواری، دیوان، تصحیح سعید حمیدیان، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۴۸.
- امیرعلیشیرنوایی، مجالس النفایس، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، منوچهری، تهران، ۱۳۶۳.
- امین احمد رازی، هفت اقلیم، تصحیح سید محمدرضا طاهری «حسرت»، سروش، تهران، ۱۳۷۸.

- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفين، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۹.
- بداؤنی، عبدالقادر، منتخب‌التواریخ، تصحیح احمدعلی و مقدمه و اضافات توفیق سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- بلدروف، الکساندر، تصحیح بدایع‌الوقایع، واصفی هروی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹.
- تقی‌کاشی (۱)، محمدبن علی، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (بخش کاشان)، تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمد حسین نصیری کهنمویی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۴.
- _____ (۲)، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (بخش اصفهان)، به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمد حسین نصیری کهنمویی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۶.
- _____ (۳)، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (بخش قم و ساوه)، تصحیح و تحقیق علی اشرف صادقی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۲.
- _____ (۴)، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (بخش شیراز و نواحی آن)، تصحیح نفیسه ایرانی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۲.
- _____ (۵)، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (بخش خراسان)، تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمد حسین نصیری کهنمویی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۳.
- _____ (۶)، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار، دست‌نویس ش ۱۳۶۴۳.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، تاریخ حبیب‌السیر، به کوشش محمد دبیرسیاقی و مقدمه جلال‌الدین همایی، خیام، تهران، ۱۳۸۰.
- خوشگو، بندرابن داس، سفینه خوشگو، مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
- سام میرزا صفوی، تحفه سامی، تصحیح فاطمه انگورانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹.
- شراتو، امبرتو و ارنست گروبه، هنر ایلخانی و تیموری، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۸۴.
- شمیسا، سیروس، کلیات سبک‌شناسی، میترا، تهران، ۱۳۸۸.
- صائب تبریزی، میرزا محمد علی، دیوان، به اهتمام محمد قهرمان، نشر علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
- صفا (۱)، ذبیح‌الله، مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۳.
- _____ (۲)، تاریخ ادبیات در ایران، فردوس، تهران، ۱۳۶۲.
- عبدالباقی نهاوندی، مقدمه بر دیوان عرفی شیرازی، دست‌نویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۲۵۹۴.
- غزالی مشهدی، دیوان، تصحیح حسین قربانپور آرانی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.
- فتوحی رودمجنی (۱)، محمود، نقد ادبی در سبک هندی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۵.
- _____ (۲)، نظریه تاریخ ادبیات: با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ایران، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۷.

- فخرالزمانی قزوینی، عبدالنّبی، تذکرة میخانه، شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکا، تهران، ۱۳۴۰.
 فلاح، غلام فاروق، موج اجتماعی سبک هندی، ترانه، مشهد، ۱۳۷۴.
 گوپاموی، محمد قدرت‌الله، نتایج افکار، به کوشش اردشیر خاضع، چاپخانه سلطانی، بمبئی، ۱۳۳۶.
 گلچین معانی، احمد، مکتب وقوع در شعر فارسی، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۴.
 مطربی سمرقندی، سلطان محمد، تذکرة الشعرا، به کوشش اصغر جانفدا، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۷.
 نثاری بخارایی، بهاء‌الدین محمد، مذكر احباب، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۷.
 واصفی هروی، محمودبن عبدالجلیل، بدایع الوقایع، تصحیح الکساندر بلدروف، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹.
 هلالی جغتایی، بدرالدین، دیوان (چاپ سنگی)، بی‌نا، بی‌تا.





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني